

دریافت: شهریور ۹۴

پذیرش: آذر ۹۴

نگرشی میان رشته‌ای به حکمرانی خوب؛ زمینه‌مهندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه

قاسم درزی^۱

پیام صدریه^۲

چکیده

پژوهش مؤثر در موضوعات و پدیده‌های چندوجهی رویکردی میان رشته‌ای جهت تعمیم به میدان می‌کشد. رویکرد میان رشته‌ای می‌تواند به تبیین و فهم بهتر از پدیده‌های پیچیده و چندوجهی بیانجامد. زمینه‌مهندسازی یکی از راه‌های مؤثر برای دستیابی به فهم صحیح میان رشته‌ای است. در این روش مباحث یک رشته علمی در بافت زمان، فرهنگ و یا تجربه فردی قرار می‌گیرد و در نتیجه مفاهیم میان رشته‌ای و یا میان‌گفتمانی بهتر صورت می‌پذیرد. حکمرانی مطلوب پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که در گفتمان‌ها و بافت‌های متفاوت، برخی از مؤلفه‌های آن برجسته و برخی دیگر چندان مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین بسیاری تلاش کرده‌اند آن‌را از گفتمان غربی و لیبرال دریافت کرده و در گفتمان اسلامی به کار بندند. چنین رویکردی بیش و پیش از همه نیازمند آن است که در فضای گفتمان دینی-اسلامی زمینه‌مهندسازی شود و سپس برای حل معضلات اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته شود. پژوهش حاضر، با این رویکرد، نشان داد که در بین مؤلفه‌های حکمرانی خوب، سه شاخص «کنترل فساد»، «حاکمیت قانون» و «صدا و پاسخگویی» از اهمیت و اولویت برخوردار است و سه شاخص دیگر با توجه به بافت غیر مدرن جامعه صدر اول، چندان قابل تعمیق و بررسی نیست، اما نشانه‌های متقن دال بر اهمیت و ویژگی آن وجود دارد. همچنین مشخص شد حکمرانی خوب در گفتمان دینی-اسلامی بر ویژگی‌های معنوی، الهی و آخرت‌گرا تمرکز داشته و متأثر از سعادت اخروی است.

واژه‌های کلیدی:

حکمرانی مطلوب، مطالعات میان رشته‌ای، زمینه‌مهندسازی، قرآن، نهج البلاغه.

۱. استادیار قرآن و حدیث دانشگاه شهید بهشتی gh_darzi@sbu.ac.ir

۲. نویسنده و پژوهشگر psepost09@gmail.com

۱- مقدمه و طرح مسأله

«حکمرانی» مقوله‌ای است که همواره مورد توجه و دغدغه بشر بوده است. سرشت اجتماعی بشر همیشه او را به این موضوع سوق می‌داده است که برای کامیابی بیشتر باید تحت مدیریت واحد حرکت کند. مدیریت واحد نیز در سطح کلان مسئله حکمرانی را به میان می‌کشد. اما حکمرانی با وجود منافع فراوان با آسیب‌ها و اشکالاتی نیز مواجه است. در حقیقت قدرت‌طلبی و سرکشی انسان او را وامی‌دارد تا به دنبال دستیابی به حکمرانی، به استعمار و استثمار مجموعه تحت حاکمیت خود دست یازد. این آسیب‌جدی حکمرانی به کرات در تاریخ اتفاق افتاده است. با مرور تاریخ با واقعه‌ای تکراری روبرو هستیم؛ گروهی ناراضی از حاکمیتی جائر شکل می‌گیرند، انقلاب می‌کنند و آن حاکم جائر را به زیر می‌کشند و حاکمیتی نو شکل می‌گیرد. اما به گذشت زمان باز همین رخداد تکرار می‌شود. علت اصلی این تکرار، عدم توجه به ذو وجوه بودن مقوله حکمرانی است. بعد از جنگ جهانی دوم و فروپاشی کشورهای استعمار شده، یکی پس از دیگری، توجه به مفاهیمی چون: استقلال، آزادی و حق دخالت افراد جامعه در تعیین سرنوشتشان به عنوان مفاهیمی اساسی مورد نظر قرار گرفت. (نک: گانت، ۲۰۰۶، ۲۵۷-۲۶۵) این تغییر رویکرد، منجر به ظهور مفاهیمی کلیدی هم‌چون دولت توسعه^۱ و حکمرانی خوب^۲ شد. تلاش اصلی دولت توسعه بر این بود تا با تلفیق کارکردهای متفاوت دولت، به توسعه پایدار دست یابد. (پیشین) این کارکردها، ابعاد متفاوتی همچون ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و محیط زیستی را در بر می‌گرفت. (پیشین) حکمرانی خوب نیز چنین توجهی را به ابعاد مختلف زندگی در نظر دارد. مؤلفه‌های اصلی حکمرانی خوب عبارتند از: - صدا و پاسخگویی^۳؛ ۲- ثبات سیاسی و نبود خشونت (و تروریسم)^۴؛ ۳- اثربخشی دولت^۵؛ ۴- کیفیت قوانین^۶؛ ۵- حاکمیت قانون^۷؛ ۶- کنترل فساد^۸.

1. Development Administration.
2. Good Governance.
3. Voice and Accountability.
4. Political Stability and Absence of Violence.
5. Government Effectiveness.
6. Regulatory Quality.
7. Rule of Law.
8. Control of Corruption.

(نک: کافمن و همکاران، ۲۰۰۹، ۷). این ویژگی‌ها ۱۶۰ کشور را از سال ۱۹۹۶-۲۰۰۲ در بر می‌گرفت. (لندمن^۱، ۲۰۰۳، ۳۲)

واضح است که در نگرش‌های جدید به حکمرانی تلاش شده است از نگرش‌های تقلیل‌گرایانه و تک‌بعدی به حکومت پرهیز کنند. نگرش کل‌نگر و تلفیقی به حکمرانی وجه تمایز مهم این رویکردها با رویکردهای پیش از آن است. چنین تغییر رویکردی به دلیل آسیب‌های جدی‌ای بود که در نگرش‌های یکجانبه به حکمرانی پدید آمده بود؛ توضیح آنکه نگرش‌های حداکثری به دولت و هم‌چنین نگرش‌های حداقلی به مفهوم دولت هیچ‌کدام نتوانسته بود آنگونه که شایسته است به بهبود شرایط زندگی منجر شود. راه نجات در رویکردی تلفیقی^۲ بود که بتواند تمام جنبه‌های مثبت را یکجا کنار هم در نظر بگیرد. این رویکرد تلفیقی همان رویکرد میان‌رشته‌ای به حکمرانی بود.

اما مشکل جدی که در رویکردهای میان‌رشته‌ای، به‌خصوص در علوم انسانی، وجود دارد، تفاوت‌گفتمانی است که میان انسان‌ها در مناطق مختلف وجود دارد. علوم انسانی با توجه به شرایط قومی-ملّی مختلف، متفاوت می‌گردد. بنابراین اگر بخواهیم از علوم انسانی، که در خاستگاه دیگری، غیر از خاستگاه بومی، بهره ببریم، ناچاریم ابتدا به زمینه‌مندسازی آن مبادرت ورزیم و سپس مورد استفاده قرار دهیم. زمینه‌مندسازی، روشی است که به‌وسیله آن مباحث یک رشته علمی را در بافت زمان، فرهنگ و یا تجربه شخصی قرار می‌دهیم. به این وسیله می‌توانیم تبیین بهتری از مسائل و پدیده‌های پیچیده و میان‌رشته‌ای ارائه دهیم. در حقیقت بافت و زمینه، موجب پیچیدگی فزاینده پدیده‌های میان‌رشته‌ای می‌گردند. بنابراین برای داشتن نگرشی صحیح، باید آن‌ها را در بافت و زمینه بومی مورد نظر قرار دهیم و ویژگی‌هایی متناسب با همین بافت و زمینه را برای آن‌ها در نظر بگیریم. مسلماً حکمرانی خوب نیز از این قاعده مستثنی نیست.

حکمرانی خوب مقوله‌ای است که در سال ۱۹۸۰، بانک جهانی، به‌عنوان راهکاری کارآمد برای بهبود شرایط اقتصادی پیشنهاد کرد و در طول یکی دو دهه به اصلاح و تکمیل آن مبادرت جست. در نهایت با در نظر گرفتن سه رکن اساسی: دولت، جامعه مدنی و بخش

1. Landman.

2. Integrative Approach.

خصوصی، شش ویژگی مهم را برای دستیابی به حکمرانی خوب پیشنهاد کرد. به اعتقاد این نظریه‌پردازان، مشارکت فعال این سه رکن می‌توانست حکمرانی خوب را برای جوامع پدید آورد. اما این چیزی است که فقط در مقام نظریه گفته می‌شود. آنچه که در عمل مشاهده می‌شود آن است که به کارگیری هر یک از این ارکان با توجه به بافت و زمینه‌ای که حکمرانی مطلوب در آن مطرح می‌شود متفاوت است:

به عنوان مثال، محور حکمرانی خوب توسط برخی از مراکز علمی مانند «بانک جهانی»^۱ (۱۹۹۲)، «اتحادیه اروپا»^۲ (۱۹۹۸) و «برنامه جامع کاهش فقر و استراتژی رشد در ویتنام»^۳ بر جنبه‌های اقتصادی و مدیریتی آن تمرکز دارد. حال آنکه برخی دیگر هدف خود را توسعه سیاسی تعریف نموده‌اند. مراکزی چون: «مؤسسه توسعه بین‌الملل ایالات متحده آمریکا» و «دانشگاه تکنولوژی سیدنی» از این قبیل‌اند. این در حالی است که برنامه توسعه سازمان ملل متحد، دو هدف اساسی توسعه اقتصادی و سیاسی را برای حکمرانی خوب برگزیده است. (نک: لندن، پیشین؛ همچنین: جاسی و نفری، ۱۳۸۸، ۸۹) واضح است که این اختلاف فراوان در اهداف حکمرانی خوب، به تفاوت زمینه و بافتی ناظر است که این مقوله در آن مطرح شده است. زمینه و بافتی که حکمرانی خوب در آن مطرح می‌شود، بر ویژگی‌های مورد تأکید در این زمینه بسیار تاثیر خواهد داشت. (لندن، پیشین، ۳۴)

از این‌رو این سؤال مطرح است که کدام‌یک از مؤلفه‌ها و اهداف حکمرانی خوب در بافت اسلامی پررنگ‌تر است و کدام‌یک از ارزش کمتری برخوردار است؟ مسلماً چنین تبیینی می‌تواند به‌خوبی به بومی‌سازی این مفهوم در گفتمان اسلامی یاری رساند. به نظر می‌رسد که این موضوع از دو جهت می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد: نخست به شیوه توصیفی؛ یعنی مؤلفه‌های اصلی حکمرانی خوب چیست؟ و در عالم اسلام حکمرانی به چه شکلی اتفاق افتاده است؟ و دوم به شکل تجویزی، یعنی مؤلفه‌های موجود در کتاب و سنت را برای حکمرانی صحیح استخراج نماییم و نسبت مؤلفه‌های حکمرانی خوب تنقیح نماییم. نهج‌البلاغه به‌عنوان متنی که در دوران تصدی معصوم بر حکومت شکل گرفته، می‌تواند متن اصلی در بررسی سنت قرار

1. World Bank.
2. European Commission.
3. Comprehensive Poverty Reduction and Growth in Vietnam Strategy.

گیرد. این نسبت‌سنجی می‌تواند منجر به زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه شود. در این مقاله پس از تبیین دو مفهوم کلیدی «حکمرانی خوب» و «زمینه‌مندسازی»، به زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب با استفاده از قرآن و نهج‌البلاغه مبادرت می‌نماییم:

۲- حکمرانی خوب

حکمرانی خوب یکی از مباحث مهم میان‌رشته‌ای است که برای اصلاح وضع اقتصادی دولت‌ها مطرح شد و مؤلفه‌هایی را برای این هدف مد نظر قرار داد. «حکمرانی خوب» عبارتی است مرکب از دو واژه «حکمرانی» و «خوب». «حکمرانی» در عبارت «حکمرانی خوب» درباره‌ی این است که دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی چگونه تعامل می‌کنند؟ چگونه با شهروندان تعامل می‌کنند، و در این جهان به طور فزاینده پیچیده تصمیم‌ها چگونه اتخاذ می‌شوند؟ (پلامیتر و گراهام، ۱۹۹۹، ۲) بنابراین حکمرانی در ارتباط با موضوعات اجتماعی صورت می‌پذیرد. باید در نظر داشت که تمایل به چنین موضوعاتی به دولتها منحصر نمی‌شود. بازیگران دیگری نیز در این ارتباط وجود دارند: رسانه‌ها، ارگان‌های نظامی و مذهبی، ارگان‌های اقتصادی و... گاهی اوقات در جهت‌دهی به موضوعات اجتماعی نقش بازی می‌کنند. (پیشین)

برخی نیز حکمرانی را عبارت می‌دانند از هنر هدایت جوامع و سازمان‌ها. حکمرانی، تعاملات میان ساختارها، فرآیندها و سنت‌هایی را در بر می‌گیرد که معین می‌کنند قدرت چگونه اعمال شود، تصمیم‌ها چگونه اتخاذ شوند و شهروندان و سایر ذی‌نفعان چگونه حرف خود را بزنند. (پیشین، ۳)

طرح بحث حکمرانی خوب بازمی‌گردد به سال ۱۹۸۰ که بانک جهانی پس از آنکه در اجرای سیاست‌های تعدیلی در برخی کشورها ناموفق بود تصمیم گرفت تا اصولی را برای اداره هر چه بهتر اقتصاد مطرح کند. همین امر موجب شد در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو تعریف نمایند. (نادری، ۱۳۹۰، ۷۲) اما پس از آن و آشکار شدن ناکارآمدی مداخله تمام‌عیار دولت‌ها در عرصه اجتماعی، به ناچار مراکز و مجامع غیر دولتی نیز در حکمرانی مؤثر دانسته شده و از آن‌ها نیز در مؤلفه‌های حکمرانی خوب، سخن به میان آمد. «جامعه مدنی» و «بخش خصوصی» دو رکن دیگری بودند که در این الگوی جدید مورد نظر قرار گرفتند. همانگونه که

بنیانگذاران این نظریه اعتقاد دارند، مباحث تجاری و اقتصادی در این طراحی و هدف‌گذاری آن بسیار مؤثر بوده است. (کافمن و همکاران، پیشین، ۸) بر این اساس شش مؤلفه اصلی عبارتند از: ۱- صدا و پاسخگویی^۱؛ ۲- ثبات سیاسی و نبود خشونت (و تروریسم)^۲؛ ۳- اثربخشی دولت^۳؛ ۴- کیفیت قوانین^۴؛ ۵- حاکمیت قانون^۵؛ ۶- کنترل فساد^۶. (نک: کافمن و همکاران، ۲۰۰۹، ۷). باید توجه داشت که هدف از دستیابی به این ویژگی‌ها در حکمرانی افزون بر رفاه که مقوله‌ای اقتصادی است، مواردی چون: آزادی، عدالت و امنیت را نیز در بر می‌گیرد. (نک: ریگز، ۱۹۷۰، ۲۷)

آشکار است که دولت به عنوان یکی از کنش‌گرهای مدنی در کنار دیگر کنش‌گرها قرار گرفته است. ممکن است که تأثیر دولت‌ها در هدایت اجتماع بیش از دیگر کنش‌گرها باشد، اما در موارد زیادی نیز دولت‌ها امکان تأثیرگذاری ندارند و این دیگر کنش‌گرها هستند که در فرآیندها مداخله می‌نمایند. گاهی نیز مشارکت دولت و دیگر کنش‌گرها را در حکمرانی شاهد هستیم. اما نباید فراموش کرد که در این تعامل، دولت نقش اصلی را برعهده دارد. (قلی‌پور، ۱۳۸۳، ۸۷) در چنین شرایطی اداره دولت از روش «مدیریت عمومی» به روش «حکمرانی عمومی» تغییر خواهد یافت. حکمرانی عمومی بر ارزش‌های قانونی و ارزش‌های مشروعیت به‌جای ارزش‌های اقتصادی و کارایی صرف تأکید بیشتری دارد و ایجاد دموکراسی در جامعه برای آن اهمیت دارد (پیشین)؛ با کمرنگ شدن نقش دولت‌ها در اقتصاد، تلاش بر این است تا کارایی اقتصاد به حضور دولت‌ها وابستگی کامل نداشته باشد و تنها با محوریت آن‌ها شکل گیرد.

۳- زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه

زمینه‌مندسازی، روشی است که به‌وسیله آن مباحث یک رشته علمی در بافت زمان، فرهنگ و یا تجربه شخصی قرار می‌گیرد. بنابراین زمینه‌مندسازی با زمینه مورد نظر ملازمت دارد.

1. Voice and Accountability.
2. Political Stability and Absence of Violence.
3. Government Effectiveness.
4. Regulatory Quality.
5. Rule of Law.
6. Control of Corruption.

به عنوان مثال «تاریخ علم» به خوبی از ابزار زمان و تاریخ برای تلفیق و ترکیب مباحث بهره می‌برد. در اینجا تاریخ^۱ به عنوان «زمینه» و «بافت» در نظر گرفته شده است. همچنین عقاید فلسفی و ماوراء طبیعی^۲ نیز می‌تواند به عنوان بافت در نظر گرفته شود. نظام‌های معرفتی و اسلوب‌های استدلال^۳ نیز می‌توانند به عنوان زمینه و بافت مد نظر قرار گیرند. با هر یک این موارد می‌توان به بافتینه‌سازی علوم مختلف اقدام کرد. هدف از این بافتینه‌سازی، هرچه بیشتر انسانی کردن^۴ علوم مختلف است. (نک: نیکیتینا، ۲۰۰۶، ۲۵۲-۲۵۳) این روش، یکی از راه‌های معمول در علوم انسانی برای تولید دانش به حساب می‌آید؛ زیرا وظیفه ابتدایی علوم انسانی، تفسیر شرایط انسانی است و محصول نهایی نیز، قرار گرفتن پژوهشگر (اعم از: نویسنده، مورخ، شاعر و فیلسوف) در بافت تاریخی و اجتماعی است. (نک: پیشین، ۲۵۴)

در حقیقت تا زمانی که پژوهش‌گر نتواند موضوعات و مقولات را در بافت انسانی که در آن زندگی می‌کند در نظر بگیرد، نخواهد توانست درک و فهم درستی از آن‌ها داشته باشد. انسانی‌سازی علوم در اینجا به همین معناست؛ یعنی علوم مختلف را در بافتی که در آن زندگی می‌کنیم مورد نظر قرار بدهیم و از دریچه بافت و زمینه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم به آن‌ها بنگریم. سه مؤلفه اساسی که می‌تواند به عنوان مؤلفه‌های اصلی در شکل‌گیری زمینه و بافت در نظر گرفته شود، عبارتند از: تاریخ، فلسفه (یا ماوراء الطبیعه) و معرفت‌شناسی.

۳-۱- تاریخ به عنوان زمینه

در نظر گرفتن تاریخ به عنوان بافت، عبارت است از پیوند زدن قسمت‌های مختلف گزاره معرفتی به یک قسمت یا رخداد از تاریخ. (نک: پیشین، ۲۵۶) به عنوان مثال اگر مقوله حکمرانی خوب را در ارتباط آن با وقایع بعد از جنگ جهانی دوم در نظر بگیریم فهمی میان‌رشته‌ای و عمیق‌تر از آن می‌یابیم. در حقیقت بعد از جنگ جهانی دوم و فروپاشی کشورهای استعمار شده، یکی پس از دیگری، توجه به مفاهیمی چون: استقلال، آزادی و حق دخالت افراد جامعه در تعیین سرنوشتشان به عنوان مفاهیمی اساسی مورد نظر قرار گرفت. (نک: گانت، ۲۰۰۶،

1. history as context.
2. philosophy or metaphysics as context.
3. epistemology as context.
4. humanizing.

۲۵۷-۲۶۵) همچنین در این دوران توجه حکمرانان آمریکایی به دیگر کشورها، به خصوص کشورهای آسیایی و اروپایی، زمینه توجه به مطالعات تطبیقی در حوزه‌های گوناگون را پدید آورد. (هاوک، ۲۰۱۰، ۷۶۸)^۱ یکی از مهمترین این حوزه‌ها، حوزه حکمرانی و مدیریت عمومی^۲ بود. همین تلاش‌ها بود که موجب شد وضعیت حکمرانی در کشورهای متعددی مورد بررسی قرار بگیرد و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز تا حدودی فراگیر میان همه این کشورها مشخص شود. آشکار است که در نظر گرفتن زمینه تاریخی حکمرانی خوب، درک بسیار بهتری را از آن برای ما پدید می‌آورد. اما نکته مهمتری که در این ارتباط با موضوع این مقاله تناسب بیشتری دارد، بحث فهم مقوله حکمرانی خوب در بافت تاریخی اسلام است. برای زمینه‌مندسازی مقوله حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه ابتدا باید بدانیم که بافت تاریخی دوران پیامبر اکرم (ص) و امام علی علیه السلام نسبت به حکمرانی در چه وضعیتی قرار دارد و سپس زمینه‌های معرفتی و فلسفی حکمرانی مورد بررسی قرار بگیرد.

دوران زندگی پیامبر (ص) دوران بسیار پر نشیب و فرازی بود. دوران مکی، دوره ضعف مسلمانان و غلبه کفار بوده است. بنابراین در عمل امکان شکل‌گیری حکومت وجود نداشته است. دوره مدنی نیز با وجودی که جامعه اسلامی و حکومت اسلامی به معنای حقیقی آن شکل گرفت، اما وقوع جنگ‌های پر شمار، و تقابل مسلمانان با کفار و اهل کتاب، موجب شد تا امکان وقوع حکمرانی، به معنای واقعی کلمه، از جانب پیامبر (ص) میسر نباشد. اما دوران زندگی امام علی علیه السلام متفاوت است. گرچه ایشان بعد از وفات پیامبر (ص) تا مدت‌ها از حکمرانی و خلافت محروم شدند، اما دوران پنج ساله‌ای که خلافت را برعهده داشتند، سرشار از بیان و به‌کارگیری مؤلفه‌های گوناگونی از حکمرانی است. این دوران نه تنها در عمل منجر به حکمرانی گردید، بلکه آسیب‌های حکمرانی خلفای پیشین نیز نقد و بازگو شد. از این رو دوران حکومت امام علی علیه السلام برای بازسازی مؤلفه‌های حکمرانی خوب، دوره مناسبی است.

۳-۲- زمینه تاریخی حکمرانی در دوران رسول خدا (ص)

پیامبر (ص) در سال ۴۰ عام الفیل و در سن ۴۰ سالگی به پیامبری مبعوث شدند. (طبری، بی تا،

1. Haque.
2. Public Administration.

۲۹۷/۲ و ۲۹۸) سه سال نخست به دعوت مخفیانه سپری شد. (همان، ۳۱۹ و ۳۲۰) پس از این، هر روز اوضاع برای مسلمانان بدتر می‌شد. ابتدا مجبور به هجرت به حبشه شدند (ابن سعد، ۱۹۶۰، ۲۰۳/۱) و در دوره‌ای نیز در شعب ابی طالب زندگانی را به‌سختی می‌گذراندند. (ابن اسحاق، ۱۳۹۸ ق، ۱۵۶) اساساً تا سال سیزده بعثت که پیامبر و مسلمانان مجبور به هجرت به مدینه شدند این وضعیت ادامه داشت. (نک: ابن سعد، پیشین) بنابراین طرح بحث معنای حکمرانی در دوره مکی خیلی معنادار نخواهد بود.

اما در مدینه شرایط متفاوتی وجود داشت. جامعه اسلامی تشکیل شد و مسلمانان به معنای واقعی دارای یک تشکیلات حکومتی شدند. همبستگی خوبی میان مسلمانان، اعم از مهاجرین و انصار، ایجاد شد و پیامبر (ص) با اهل کتاب نیز پیمان همبستگی بست تا حقوق اجتماعی متقابل به رسمیت شناخته شود. (نک: طبری، پیشین، ۱۴۷/۲) ولی این دوره نیز سراسر تب و تاب و تعقیب و گریز بود؛ سال دوم هجری، جنگ بدر میان مسلمانان و مشرکین رخ داد که به پیروزی مسلمانان انجامید. (واقعی، ۱۹۶۶، ۱۹/۱-۲۲) سال سوم جنگ احد میان دو گروه در گرفت که مشرکین پیروز این میدان شدند. (پیشین، ۱۹۹/۱) البته در فاصله میان جنگ بدر تا احد چندین غزوه دیگر نیز توسط مورخان گزارش شده است. (نک: مسعودی، ۳۸۵ ق، ۳۰۴/۳) سال چهارم شاهد بیشترین نزاع و درگیری‌ها با یهود و به‌خصوص بنی‌النضیر هستیم. (واقعی، پیشین، ۳۶۳/۱-۳۶۷) سال ششم جنگ‌های پراکنده‌ای با یهود رخ داد اما در تقابل با مشرکان مسلمانان توانستند به صلحی نسبتاً پایدار دست یابند. اما نزاع با یهود هنوز برقرار بود و سال هفتم جنگ خیبر اتفاق افتاد. سال هشتم کفار پیمان صلح را شکستند و مسلمانان نیز در مقابل توانستند بدون جنگ و خون‌ریزی به فتح مکه دست یابند. (نک: بلاذری، ۱۴۲۰ ق، ۴۶/۱) سال نهم هجری مهمترین اتفاق تقابل احتمالی‌ای بود که ممکن بود بین مسلمانان و رومیان محقق شود و مسلمانان خود را برای آن مهیا کرده بودند. سال دهم نیز جنگ‌های پراکنده‌ای برای گسترش اسلام به دیگر نقاط شبه جزیره رخ داد. در سال یازدهم هجری نیز پیامبر اکرم (ص) رحلت فرمودند. (برای تفصیل بیشتر نک: بجنوردی، ۱۳۶۷، جلد هشتم، مدخل اسلام) در مجموع می‌توان دوره حیات پیامبر (ص) را دوره گسترش و استقرار حکومت اسلامی در سبه جزیره دانست.

از این‌رو، با در نظر گرفتن بافت تاریخی دورات حیات پیامبر (ص)، فرض تحقق مقوله

حکمرانی در این دوره، بسیار سخت و غریب است. اما از جهت بافت و زمینه‌های معرفت‌شناختی و فلسفی، می‌توان مبانی خوبی را برای حکمرانی مطلوب در این دوره یافت؛ عمدتاً این مبانی در قرآن کریم مطرح شده‌اند و عمدتاً به حکمرانی‌های پیش از پیامبر اسلام ناظر است. هنگامی که علی علیه السلام خلافت را بر عهده گرفت، جغرافیای اسلامی بسیار گسترده‌تر از دوران حیات پیامبر (ص) بود. هم‌چنین تورم زیادی در جهان اسلام پدید آمده بود و بیت‌المال به‌شیوه‌ای تبعیض‌آمیز میان مسلمین تقسیم شده بود و بذل و بخشش‌های ناعادلانه فراوانی نیز صورت پذیرفته بود. همین امر نیز علی علیه السلام را در حکمرانی با مشکلات بسیاری روبرو کرد

۳-۳- زمینه تاریخی حکمرانی در دوران علی علیه السلام

زیادی به سرزمین اسلامی سرازیر شده بود و عمر دیوان‌هایی را تاسیس کرده بود و بر حسب سوابق اسلامی به مسلمین حقوق پرداخت می‌کرد. (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ۳۱۰/۸-۳۱۱) همین امر نیز نا رضایتی فراوانی را میان اقبشار گوناگون مسلمین ایجاد کرده بود. عثمان نیز اشرافی‌گری را ترویج می‌کرد و توجه به خویشان و نزدیکان را برای اعطای مناصب حکومتی در اولویت قرار داده بود. (طبری، پیشین، ۲۵۱/۴ و ۲۵۲) شاید بتوان همین اشکالات اساسی حکمرانی در دوران پیش از خلافت علی علیه السلام را از مهمترین دلایل جنگ‌های پیش آمده در دوران علی علیه السلام دانست.

جنگ جمل به‌دلیل همین تبعیض‌ها و توقعات بی‌جایی بود که در دوران پیش نسبت به خلیفه ایجاد شده بود. علی علیه السلام که خیلی صریح با چنین تبعیض‌هایی مخالفت خود را اعلام کرده بود، مورد اعتراض تنی چند از صحابه قرار گرفت و بهانه‌ای برای رخداد جنگ جمل شد. (نک: طبری، پیشین، ۵۰۶/۴-۵۱۰) جنگ صفین نیز از جانب معاویه صورت گرفت؛ کسی که به قدرت رسیدن او ناشی از سیاست‌های غلطی بود که در دوران عمر اتخاذ شده بود و در دوران عثمان نیز اقتدار او به اوج رسیده بود. مسلماً علی (ع) با شفافیت و صراحتی که حکمرانی داشت، بزرگترین مانع بر سر راه او محسوب می‌شد. بی‌تردید جنگ صفین نیز زمینه و پایه شکل‌گیری خوارج و در پی آن رخداد جنگ نهروان بود. (نک: بلاذری، پیشین، ۳۵۹/۲-۳۶۳)

امام علی علیه السلام در اولین گام بیت‌المال را به‌طور مساوی و عادلانه میان عرب و عجم تقسیم کرد (رک: مدلونگ، ۱۹۷۷، ۱۵۰) و غالب کارگزاران پیشین را عزل و کارگزاران شایسته منصوب کرد. (پیشین، ۱۵۱ و ۱۵۲) این عملکردهای کاملاً صریح و بسیاری عملکردهای شاخص

دیگری که از اسناد موجود در نهج‌البلاغه به دست می‌آید، به خوبی حاکی از آن است که مقوله حکمرانی و ضوابط دستیابی به حکمرانی صحیح از دغدغه‌های اساسی امام علی علیه السلام بوده است. بنابراین بررسی حکمرانی ایشان در زمینه تاریخی آن، برخی از ابعاد را پررنگ‌تر از بقیه به نمایش می‌گذارد: شفافیت و صراحت از مهمترین مؤلفه‌های حکمرانی امام علی علیه السلام به حساب می‌آید و برقراری عدالت و رهایی اجتماع از تبعیض‌هایی که پیش از این به وجود آمده بود نیز مهمترین دغدغه امام علی علیه السلام در حکمرانی محسوب می‌شود.

برای تشخیص شاخص‌های حکمرانی مطلوب در حکومت علوی، می‌توان از دو زاویه به شاخص‌های مطلوب نگریست: نخست از جهت واقعیتی که بر جامعه اسلامی گذشته است. از این جهت می‌توان دید که این شاخص‌ها چقدر با واقعیت‌های تاریخ اسلام تطابق دارد؛ دوم تبیین شاخص‌های ایده‌آل در سیره و سنت پیامبر (ص) و امام علی علیه السلام؛

بیان شاخص‌های حکمرانی خوب در زمینه تاریخی صدر اول اسلامی

حکمرانی عبارت است از فرآیند تصمیم‌گیری، و یا فرآیندی که به اتخاذ تصمیم منجر می‌شود. (UNESCAP, 2002) از زاویه‌ای دیگر می‌توان حکمرانی را به سنت‌ها و اصولی تعبیر کرد که به وسیله آنها قدرت در یک کشور پیاده‌سازی میشود. (کافمن و همکاران، پیشین، ۶) بنابراین حکمرانی انتخاب و نظارت بر دولت‌ها و همچنین انتقال قدرت از دولتی به دولتی دیگر را شامل می‌شود. (پیشین) اما حکمرانی خوب عبارت است سبک یا مدلی از حکمرانی که در سایه مشارکت شهروندان به نتایج اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. (پلامپر و گراهام، ۱۹۹۹) سه رکن: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی (شهروندان) پایه‌های حکمرانی خوب را شکل می‌دهند. (کافمن و همکاران، پیشین) بر این اساس نیز شش مؤلفه اصلی را برای برقراری حکمرانی خوب می‌توان در نظر گرفت که با تحقق آنها امید است حکمرانی به نحو بهتری در جامعه پیاده‌سازی شود. این شش مؤلفه عبارتند از: ۱- صدا و پاسخگویی؛ ۲- ثبات سیاسی و نبود خشونت (و تروریسم)؛ ۳- اثربخشی دولت؛

1. Plumptre, Graham.
2. Voice and Accountability.
3. Political Stability and Absence of Violence.
4. Government Effectiveness.

۴- کیفیت تنظیم‌کنندگی^۱؛ ۵- حاکمیت قانون^۲؛ ۶- کنترل فساد^۳. (نک: کافمن و همکاران، ۲۰۰۹، ۷). تعریف و زمینه‌مند سازی تاریخی هر یک از این شش مؤلفه می‌تواند درک بهتری از وضعیت حکمرانی خوب در دوران ابتدایی اسلام را برای ما بازنمایی کند:

۱. **صدا و پاسخ‌گویی:** به میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت ناظر است. سه وسیله مهم برای دستیابی به این مهم عبارتند از: آزادی بیان، آزادی احزاب و اجتماعات، و آزادی مطبوعات. (کافمن و همکاران، پیشین، ۱۰) در اینجا شاهد مشارکت دادن حداکثری شهروندان در حکمرانی هستیم. آزادی بیان، احزاب و مطبوعات نه تنها می‌تواند به انتخاب دولت شایسته کمک بلکه می‌تواند پس از تشکیل دولت نیز به بررسی و نقد عملکرد او مبادرت نمایند. این مؤلفه حکمرانی خوب کاملاً پدیده‌ای مدرن است و مواردی چون: احزاب و مطبوعات در دوران صدر اسلام قابل رصد نیستند. اما جامعه مدنی و نقش آن در فرآیند تصمیم‌گیری را به خوبی می‌توان در این دوران رصد کرد. مسلماً مشروعیت حکمرانی در این دوران نیز به شکل محسوسی توسط مردم و جامعه مدنی صورت می‌پذیرفته است. علی‌الکلیله^۴ به‌طور ویژه بر این مطلب تأکید داشته‌اند و حضور حاضر را به عنوان عامل اصلی پذیرش حکمرانی مسلمانان بیان کرده‌اند. (نک: خطبه ۳) البته چنین کاری، در عمل، به پذیرش نقش شهروندان در فرآیند حکمرانی دلالت دارد؛

۲. **ثبات سیاسی و نبود خشونت (و تروریسم):** وجود ثبات سیاسی و نبود خشونت‌هایی که به از بین رفتن ثبات سیاسی منجر می‌شوند نیز از عوامل مهم دستیابی به حکمرانی خوب است (پیشین). این شاخص بیانگر آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیر قانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. (نادری، ۱۳۹۰، ۷۶) از این جهت نیز باید گفت که دوران پیامبر(ص) و علی‌الکلیله^۵ دست‌خوش تحولات، شورش‌ها و جنگ‌های متعدد و مختلفی بود. در هیچ‌یک از این دو دوره، ثبات سیاسی ایده‌آل در حکومت ایجاد نشد. در هر دو دوره نیز، ترور، یکی از ابزارهای مهم در دست مخالفین برای پیاده‌سازی اهداف خود بود. خطر شورش و ترور در

-
1. Regulatory Quality.
 2. Rule of Law.
 3. Control of Corruption.

این دوران تا حدی جدی بود که غیر از ابوبکر، دیگر خلفا با شورش و یا ترور کشته شدند. بنابراین این شاخص نیز در دوران اسلامی غالباً در حد پایینی وجود داشته است و هیچ‌گاه خطر شورش و تهدید دست از سر جامعه مسلمین بر نداشته است؛

۳. **اثر بخشی دولت:** این شاخصه ناظر است به کیفیت خدمات عمومی و شهروندی و نیز میزان استقلال دولت‌ها از فشارهای سیاسی و کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی دولت و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد. (کافمن و همکاران، پیشین) بنابراین هر چقدر کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجالها و خط و ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، بیانگر وضع بهتری در حکمرانی خوب است. (نادری، پیشین، ۷۶) این شاخصه، همانطور که در بخش بعدی نیز به شکل جدی‌تری به آن خواهیم پرداخت، از جهت مبانی معرفت‌شناختی، اختلاف‌گفتمانی اساسی با دوران صدر اسلام دارد. این شاخصه به شدت از ویژگی‌های دوره مدرن متأثر است. بحث خدمات عمومی و به‌خصوص خدمات شهروندی از مواردی است که به شکل ویژه در دوران مدرن مورد نظر قرار گرفته است و در دوران‌های پیش خیلی مورد توجه نبوده است. همچنین تدوین سیاست‌های عمومی نیز از مواردی است که در دوران مدرن به شکل ویژه مورد نظر قرار گرفته است و مصادیق دقیقی برای آن نمی‌توان در دوران صدر اسلام دریافت کرد.

اما به طور کلی می‌توان گفت که در دوره پیامبر(ص) به دلیل عدم استقرار و ثبات کامل حکومت، و وجود جنگ‌های متعدد نمی‌توان انتظار داشت که خدمات عمومی و شهروندی مناسبی وجود داشته باشد؛ زیرا چنین خدماتی متضمن وجود ثبات سیاسی و اقتصادی است. در این دوران نیز چنین ثباتی وجود نداشته است. اما پیامبر اکرم در حد مقدور تلاش در جهت بهبود ارائه خدمات عمومی و شهروندی مطلوب را در نظر داشتند. این امر در قالب تقسیم غنائم به دست آمده، خمس و زکات و خراجی که از غیر مسلمانان دریافت می‌شده، صورت می‌پذیرفته است. دوران امام علی علیه السلام نیز از جهت این شاخص، شبیه دوران پیامبر(ص) است. نبود ثبات سیاسی و شورش‌های متعدد، موجب می‌شد امکان توجه به خدمات عمومی و شهروندی وجود نداشته باشد. اما شواهد تاریخی دال بر اهتمام ویژه امام بر این امر است. امام علیرغم مشکلات موجود رفاهی حداقلی را ایجاد کرده بود.

«در کوفه همگان خوب زندگی می‌کنند. حداقل آنها کسانی هستند که نان گندم، سرپناه و آب سالم از فرات دارند» (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵، ج: ۹۹/۲)

هر چند دغدغه اصلی علی علیه السلام دستیابی به شرایط ایده‌آل و خدمات مناسب عمومی و شهروندی به وقوع نپیوست.

۴. **کیفیت تنظیم‌کنندگی:** عبارت است از توانایی دولت برای تدوین و اجرای سیاست‌هایی، به منظور توسعه بخش خصوصی. (کافمن و همکاران، پیشین) تلاش دولت باید مصروف گردد تا حدود اثربخشی بخش خصوصی در جامعه را افزایش دهد. (نادری، پیشین) با توجه به اینکه بخش خصوص نیز از مؤلفه‌های برجسته دوران مدرن به حساب می‌آید، بسیار دشوار است که بتوان انتظار داشت در دوران اولیه اسلامی چنین مراکزی مورد توجه بوده باشند. اساساً در نظر داشتن بخش خصوصی برای اداره حکومت، امری نبوده است که در آن مورد توجه حاکمیت‌ها بوده باشد. اما عین حال نهج‌البلاغه واجد فقراتی است که توجه امام را به این امر نشان می‌دهد. سفارش‌های امام در مورد نحوه جمع‌آوری خراج و نیز سفارش‌های ایشان درباره بازرگانان و صاحبان صنعت در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه بر این موضع ایشان تأکید دارد. امام علیه السلام هم وجهه مثبت و انگیزشی ایشان را در رونق اقتصادی جامعه و نقش آنان در برآوری نیازهای عمومی تأکید دارد و از این جهت حکومت را در حمایت ایشان تشویق می‌کند، و از دیگر سوی نقش کنترل و تنظیم را یادآوری می‌کند تا خصلت سودجویی که در ذات امر تجارت و کسب است، موجب ایجاد تورم و فشار اقتصادی بر اقشار جامعه نشود.

۵. **حاکمیت قانون:** ناظر است به میزان واقعی بودن قوانین و کیفیت اجرای آنها در جامعه؛ در ارتباط با کیفیت اجرای قوانین، عملکرد مراکزی چون: پلیس، محاکم قضایی و... همچنین میزان احتمال جرم و خشونت مورد نظر است. (کافمن و همکاران، پیشین) در ارتباط با میزان واقعی بودن قوانین، با توجه به اینکه در دوران پیامبر (ص) اسلام نوپا و قوانین مدنی در حال وضع و شکل‌گیری بود، نمی‌توان انتظار زیادی داشت. اما در دوران امام علی علیه السلام، قوانین تبعیض‌آمیز حذف شد و تأکید بر اجرای درست و عادلانه قوانین به وجود آمد. این دوران از این جهت، شاخص و مثال زدنی است. اهتمامی که علی علیه السلام به کیفیت اجرای قانون داشت، در اقوال ایشان آشکار است و در عمل نیز اهتمام زیادی به تحقق آن

وجود داشته است. بنابراین حاکمیت قانون را می‌توان یکی از پر رنگ‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب که در دوران علی علیه السلام، به‌طور ویژه، مد نظر بوده است؛ در نظر داشت.

۶. **کنترل فساد:** ناظر است به میزان در اختیار بودن منافع عمومی برای منافع شخصی افراد و یا گروه‌های خاص. (کافمن و همکاران، پیشین) بر این اساس هرچه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است. (نادری، پیشین) مسلماً یکی از درخشان‌ترین شاخصه‌هایی که می‌توان در دوران ابتدایی اسلام، به‌خصوص دوران علی علیه السلام، در نظر داشت همین شاخص است. مهمترین دغدغه علی علیه السلام کنترل فساد و خارج کردن منافع عمومی از دست صاحبین نفوذ بود. در بررسی تاریخی نیز این پدیده به‌خوبی قابل رصد بود.

آن‌چه که از این بررسی با توجه به زمینه تاریخی دوران پیامبر (ص) و علی علیه السلام به‌دست می‌آید آن است که از میان شش شاخصه اساسی حکمرانی خوب، «کنترل فساد» پر رنگ‌ترین شاخصه محسوب می‌شود. شواهد بسیاری، به‌خصوص در زمان علی علیه السلام، به این مهم دلالت دارد. «حاکمیت قانون» و «صدا و پاسخ‌گویی» در مرحله بعد قرار می‌گیرند. البته اهمیت کمتر آنها نسبت به «کنترل فساد» به‌جهت نبود ارکانی چون: بخش خصوصی در آن دوران است. همچنین نو بودن حکومت اسلامی نیز موجب می‌شود قانونگذاری دوران ابتدایی خود را بگذراند و امکان سنجش دقیق کیفیت آن وجود نداشته باشد. به نظر می‌رسد که «اثربخشی دولت» در این رتبه‌بندی در رتبه چهارم قرار می‌گیرد؛ زیرا عدم ثبات سیاسی و وقوع شورش‌ها و جنگ‌های متعدد، در این دوره، موجب شد امکان ارائه خدمات عمومی و شهروندی مناسب وجود نداشته باشد، اما دغدغه اصلی آن بوده است که این خدمات به شیوه‌ای عادلانه و بدون تبعیض در اختیار شهروندان قرار گیرد. اما در ارتباط با دو شاخصه دیگر، یعنی: «ثبات سیاسی و نبود خشونت» و «کیفیت تنظیم‌کنندگی» در پایین‌ترین حد ممکن آن‌ها را می‌توان یافت. مسلماً این دوره از جهت خشونت و ترور، بسیار بی‌ثبات است و ثبات سیاسی در پایین‌ترین حد آن قرار دارد. اما «کیفیت تنظیم‌کنندگی» نیز در این دوره امکان بررسی ندارد؛ زیرا بخش خصوصی به‌عنوان مهمترین عمل‌گر در این شاخصه، در دوران ابتدایی اسلام وجود نداشته است. لذا نمیتوان انتظار داشت که تاثیر آنرا در حکمرانی خوب مد نظر قرار داد.

۴-۲- معرفت‌شناسی به عنوان زمینه^۱

معرفت‌شناسی عبارت است از شیوه و کیفیت متفاوت تولید معرفت توسط دیسپلین‌های مختلف. (نیکیتینا، پیشین، ۲۵۶) ارتباط این دیسپلین‌ها در صورتی محقق می‌شود که این تفاوت‌ها شناسایی و تحلیل شود. (پیشین) مسلماً بدون چنین شناختی، ارتباط ناقص و نادرستی میان رشته‌های مختلف برقرار می‌شود. در حقیقت تفاوت در مبانی معرفت‌شناختی موجب می‌شود حتی در الفاظ مشترک لفظی نیز گاهاً معانی کاملاً متفاوتی مد نظر باشد. اما عدم توجه به این تفاوت‌ها به یکسان‌انگاری ظاهری واژگان می‌انجامد.

در بحث حکمرانی خوب نیز باید به این تفاوت‌های معرفت‌شناختی به‌خوبی توجه داشت و نباید از بار ارزشی ناشی از زمینه و بافت معرفت‌شناختی آن غافل شد. کما اینکه حتماً باید بافت معرفت‌شناختی حکمرانی در قرآن و نهج‌البلاغه را در نظر داشت و مؤلفه‌های مورد تأکید و اهمیت را در آن دو شناسایی کرد. آن‌گاه می‌توان پی برد که مقوله حکمرانی خوب چه نسبتی با حکمرانی در قرآن و نهج‌البلاغه دارد.

حکمرانی خوب مقوله‌ای مدرن

نکته اساسی در ارتباط با حکمرانی خوب، مدرن بودن این مفهوم است. پایه‌های معرفتی این مقوله ریشه در دوران معاصر و عصر مدرنیته دارد. سه پایه حکمرانی خوب؛ یعنی: دولت، بخش خصوص و جامعه مدنی، همه از نظر معرفت‌شناختی پدیده‌هایی نوین محسوب می‌شوند، که پیشتر هویت ویژه‌ای نداشته‌اند. این سه رکن توسط رسانه‌ها^۲ با یکدیگر مرتبط می‌گردند. (پلامپر و گراهام، ۱۹۹) حکمرانی خوب بر پایه ارتباط پویای این سه رکن با یکدیگر شکل می‌گیرد. اگر هر یک از این ارکان سه‌گانه دچار اختلال گردند، پدید آمدن حکمرانی خوب نیز دچار اختلال می‌شود. اساس شکل‌گیری و کنار هم قرار گرفتن این سه رکن، بر تقسیم قدرت و جلوگیری از استبداد استوار است. در این منظومه، هر یک از ارکان می‌تواند نقش اصلاح‌کننده و تعدیل‌کننده را برای ارکان دیگر داشته باشد (پیشین)، و همکاری این سه رکن با یکدیگر، در مجموع، از فساد کل سیستم جلوگیری می‌کند.

1. Epistemology as a Context.
2. Media.
3. Plumptre, Graham.

برای درک بهتر مقوله حکمرانی خوب در گفتمان مدرن، باید برخی از ویژگی‌های مدرنیته را در نظر آوریم. مدرنیته تمایل زیادی به فردگرایی^۱، تحرک^۲ و پیشرفت^۳ دارد، حال آن‌که برعکس، جوامع با محوریت سنت تمایل زیادی به جماعت، ثبات^۴ و اتکای متقابل^۵ دارند. (نک: ماشینز و پلامر^۶، ۲۰۰۸) ویژگی‌های اصلی مدرنیته عبارت است از: انسان‌گرایی^۷، مادی‌گرایی^۸، عقل‌گرایی^۹، تجربه‌گرایی^{۱۰} و دنیاگرایی^{۱۱}. (قربانی، ۲۰۱۳، ۸۱) برخی موارد دیگر را نیز می‌توان به این مجموعه افزود که درک بهتری از مدرن بودن حکمرانی خوب را برای ما بازنمایی می‌کند. مواردی چون: لیبرالیسم^{۱۲}، آزادی، برابری، کارگزاری تاریخی انسان، داعیه معرفت انسان و اصل ترقی و پیشرفت بی‌حد و حصر. (بشیریه، ۱۳۷۶، ۴۴۷) نگاه به اهداف و دستاوردهای مورد انتظار در حکمرانی خوب، آشکارا نمایشگر غالب این ویژگی‌ها است. انسان‌گرایی از مقومات اساسی حکمرانی خوب است. به تبع آن، حکمرانی خوب، نگرشی سکولار را در حکمرانی پی می‌گیرد. عقل‌گرایی و دنیاگرایی نیز در این نوع از حکمرانی کاملاً محسوس است؛ این عقل و قواعد عقلانی است که ضوابط حکمرانی خوب را تعیین می‌کند و منابع ماورای عقل، نقش چندان در این مقوله ندارند.

اهداف اصلی این نوع از حکمرانی نیز ناظر به زندگی دنیوی است. قواعد دست‌یابی به حکمرانی خوب همه از ضوابط تجربه‌گرایی تبعیت می‌کنند. اما در مقابل، بررسی و نمایش ضوابط حکمرانی در قرآن و نهج‌البلاغه، پارادایم معرفتی کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد.

1. individualism.
2. mobility.
3. progress.
4. stability
5. interdependence.
6. Macionis and Plummer.
7. Humanism.
8. Materialism.
9. Rationality.
10. Empiricism.
11. Secularism.
12. Liberalism.

ممکن است در برخی موارد شباهت‌های میان برخی جزئیات این دو گفتمان دیده شود، اما رویکرد غالب در آنها متفاوت است.

نگاهی اجمالی به ضوابط حکمرانی در قرآن و نهج البلاغه:

قرآن کریم «برقراری عدالت به دست مردم» را اصلی‌ترین هدف حکمرانی می‌داند. (نک: نساء/۵۸؛ نمل/۹۰؛ حدید/۵؛ ص/۲۶؛ شوری/۱۵) همچنین تبعیت نکردن از مفسدین، عدم اعتماد به ستمگران و نپذیرفتن ولایت طاغوت از ضوابط حکمرانی صحیح دانسته شده است. (نک: بقره/۲۵۷؛ هود/۱۱۳؛ سبأ/۳۱-۳۲) اما به شکل جزئی‌تر، مهمترین مواردی که به طور مستقیم در ارتباط با حکمرانی است، مواردی است که خداوند از حکمرانی‌های صالح و فاسد در طول تاریخ سخن می‌گوید. در این موارد عمدتاً به نقاط قوت و ضعف این حکمرانی‌ها اشاره شده و بایسته‌های حکمرانی صحیح برشمرده شده است. افرادی چون: فرعون زمان موسی و نمرود جزء فاسدترین حکمرانی‌ها و افرادی چون: سلیمان، داود، طالوت و فرعون زمان یوسف، جزو حکمرانی‌های صالح برشمرده شده‌اند.

مهمترین ویژگی‌های حکمرانان فاسد در بیان قرآن کریم عبارت است از: نپذیرفتن ولایت الهی (نازعات/۲۴؛ بقره/۲۵۸؛ قصص/۳۸)، تکبر و استکبار (مومنون/۴۶؛ نازعات/۲۴)، برده‌کشی و استثمار دیگران (مومنون/۴۷) و فساد بر روی زمین (اعراف/۱۰۳). بنابراین ظلم و کفر را می‌توان دو مؤلفه اصلی حکمرانی فاسد در قرآن در نظر گرفت و این هر دو در ارتباط با پذیرش هدایت الهی معنادار هستند؛ به عبارتی در قرآن کریم، ظلم به مردم نیز، با وجود قبح عقلمی آن، از آن جهت که سرکشی در برابر فرامین الهی است، مذموم و مورد توبیخ واقع شده است. از این رو برخلاف حکمرانی خوب، که بُعد سکولار و انسانی در آن پررنگ است، در قرآن بُعد الهی و غیر انسانی پررنگ است. در موارد ممدوح نیز چنین چیزی را می‌توان رصد کرد:

حکمرانان ممدوح نیز در قرآن کریم با ارزش‌های متفاوتی مورد نظر قرار گرفته‌اند. این ارزش‌ها عبارتند از: علم و حکمت (بقره/۲۴۷ و ۲۵۱؛ انبیاء/۷۸-۷۹؛ نمل/۱۵؛ یوسف/۵۵)، قدرت، مهارت و خلاقیت (کهف/۸۹-۹۸؛ بقره/۲۴۷)،

۱. این آیات در ارتباط با ذوالقرنین و فرمانروایی اوست. در این آیات صراحتاً میتوان قدرت و مهارت و خلاقیت را به عنوان نقاط برتری ذوالقرنین در نظر گرفت. با توجه به اینکه این آیات در مقام مدح ذوالقرنین است میتوان استنباط کرد که این ویژگیها به منظور مدح این نوع حکمرانی بیان شده است.

مقام قضاوت^۱ (انبیاء/۷۸-۷۹)، امانتداری (یوسف/۵۵)، تقوا (یوسف/۵۷)، عدم کفر (بقره/۱۰۲)، حقیقت‌جویی (یوسف/۴۳) و شاکر بودن (احقاف/۱۵؛ نمل/۴۰) برخی از این ارزش‌ها، عمومی بوده و لزوماً به ادیان محدود نمی‌شود. مواردی چون: علم، قدرت، مهارت، امانتداری، مقام قضاوت و حقیقت‌جویی مواردی هستند که به‌عنوان صفات عمومی برای حکمرانی صحیح مطرح شده‌اند؛ اما ویژگی‌هایی چون: «تقوا» و «عدم کفر» اموری کاملاً دینی محسوب شده و با ارزش‌های سکولار تناسبی ندارند. در این مجموعه، برخی ویژگی‌ها چون: علم، حکمت، قدرت، مهارت، خلاقیت، تقوا، شاکر بودن و عدم کفر، ویژگی‌های فردی هستند که برای یک حکمران لازم است. اما دیگر ویژگی‌ها از قبیل: مقام قضاوت و امانتداری، ویژگی‌هایی هستند که در ارتباط با اجتماع معنا دار می‌شوند. توصیه‌هایی که خداوند برای برقراری عدالت در زمین به انسانها داشته است، به‌خوبی بر نقش مهم جامعه مدنی در ایجاد حکمرانی صحیح دلالت دارد. اما در اینجا نیز باید به تفاوت پارادایمی این دو مقوله توجه داشت؛ در حکمرانی خوب اهداف جامعه مدنی دست‌یابی به ثبات و پایداری اجتماعی است، اما در قرآن هدف جامعه مدنی دست‌یابی به سعادت اخروی است. جامعه سکولار جامعه‌ای متکی به خود و همبسته است، و رسالت آن شکل‌دهی نظامی منتظم و منظم صرفاً برای زندگی اجتماعی است، اما زندگی دینی، از سوی، اهدافی و راهی زندگی اجتماعی و درون‌گروهی دارد و نگاهی به همهٔ ابنای بشر و بر مبنای حیات طیبه می‌افکند. به نظر می‌رسد که بررسی ویژگی‌های حکمرانی صحیح در نهج‌البلاغه بتواند منظومه ما را کامل‌تر نماید:

ویژگی‌های حکمرانی صحیح در نهج‌البلاغه از جهات مختلف می‌تواند مورد نظر قرار بگیرد: نخست از جهت عملکرد علی علیه السلام به عنوان حکمرانی شایسته؛ دوم مواردی که ایشان برای دست‌یابی به حکمرانی صحیح توصیه و عمل نموده‌اند. این دو مورد در نهج‌البلاغه به شکلی عمیق مطرح شده‌است:

شفافیت، یکی از مهمترین اصولی است که علی علیه السلام برای حکمرانی مورد نظر داشتند. در جریان شورای شش نفره، ایشان به صراحت عمل به سنت خلفای پیشین را رد کرده و به همین جهت نیز از خلافت محروم می‌مانند. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ۱۶۲/۲؛ طبری، بی‌تا، ۲۳۸/۴)

۱. در مقام سخن برای داود و سلیمان، داشتن مقام قضاوت یکی از مهمترین مولفه‌های اعطای حکمرانی به آنها دانسته شده است.

همچنین در ابتدای خلافت خود به صراحت بیان داشتند که هدف اصلی ایشان ستاندن حقوق ضعیفان و ستمدیدگان از اقویا و ستم‌پیشگان است (رضی، بی تا، خطبه سوم) امام علی علیه السلام در دوران خلافت، بیت‌المال را به تساوی میان مردم تقسیم کرد. (پیشین، خطبه ۱۲۶) شفافیت او در عملکرد در قبال فرمانداران نیز آشکارا مشهود است. به عنوان نمونه می‌توان به برخورد ایشان با شریح‌بن حارث اشاره کرد. توبیخ او در حدی است که جای تردیدی برای شفافیت در عملکرد ایشان در مقام حکمرانی باقی نمی‌گذارد. (نک: پیشین، نامه سوم)

علی علیه السلام همچنین به طور ویژه‌ای به نقش جامعه مدنی در هدایت حاکمیت تصریح دارد. در خطبه ۳۴ (صبحی صالح، پیشین) به بیان حقوق متقابل حاکم و مردم می‌پردازد. در این کلام، وظایف حاکم در مقابل مردم عبارت است از: نصیحت مردم، پرداخت حق آنها از بیت‌المال، آموزش علم و تأدیب. این ویژگی‌ها، در سه وجه، فرهنگی و در یک وجه اقتصادی است. اما وظایف مردم در قبال حاکمیت عبارت است از: وفاداری به بیعت، نصیحت حاکم در حضور و غیاب، اجابت فرمان حاکم در هنگام مقتضی، و اطاعت از فرامین حاکم. در این ویژگی‌ها نیز، یک مورد به جامعه مدنی و نقش آن در هدایت حاکمیت اشارت دارد و سه مورد ناظر به فرمانبری مردم از حاکم است.

در خطبه ۱۳۱ (صبحی صالح، پیشین) علی علیه السلام به شکل فهرست‌وار به بیان ویژگی‌ها و خصوصیات حاکم می‌پردازد. ویژگی‌هایی که در شکل سالبه مطرح شده، و شکل موجبه آنها، بیانگر ویژگی‌های ممدوح حاکم است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- ۱- بخیل نبودن، تا در اموال آنها حریص نشود؛
- ۲- نادان نباشد، که مردم را گمراه نماید؛
- ۳- ستمکار نباشد، تا مردم را از حقشان محروم نسازد؛
- ۴- اهل رشوه نباشد، تا در مقام قضاوت حق مردم را پایمال نکند؛
- ۵- به سنت پیامبر توجه نداشته باشد، تا امت را هلاک کند.

در میان این ویژگی‌ها، تنها یکی از آنها دارای بار دینی است و دیگر ویژگی‌ها، ویژگی‌های عمومی حاکم است. اما باید توجه داشت که از نگاه امام علی علیه السلام توجه به قوانین دینی و شرعی جزو لازمی برای حکمرانی به حساب می‌آید و همین امر نیز تفاوتی اساسی میان

گفتمان حکمرانی از نگاه علی علیه السلام و گفتمان حکمرانی خوب ایجاد می‌کند. افزون بر این مبحث، حقوق عمومی و برقراری عدالت در نگاه امام علی علیه السلام بسیار با اهمیت است و می‌تواند حاکم بر دیگر ویژگی‌ها باشد. ایشان در حکمت ۴۳۷ (صبحی صالح، پیشین) به صراحت عدالت را از جود و بخشش برتر می‌داند. دلیل این برتری آن است که عدالت، تدبیری عمومی است، اما بخشش به گروه خاصی تعلق می‌گیرد. این تعلیل، نمایشگر آن است که از دیدگاه علی علیه السلام عدالت به جهت آنکه جنبه عمومی پر رنگ‌تری دارد، می‌تواند بر تمامی مصالح دیگر، که فردی هستند و عمومیت ندارند، حاکم باشد.

جمع‌بندی:

در مجموع باید بگوییم که شاخصه‌های حکمرانی خوب به شدت متأثر از گفتمان مدرنیته است؛ ویژگی‌های چون: سکولاریسم، انسان‌گرایی، ماده‌گرایی، عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و دنیاگرایی، از اهم ویژگی‌هایی است که نمود پر رنگی در حکمرانی خوب دارند. اما در مقابل، حکمرانی صحیح در گفتمان اسلام صدر اول بر ویژگی‌های الهی تمرکز دارد و سعادت حاکمیت‌ها در گروه سعادت اخروی است؛ از این رو افزون بر شاخصه‌هایی که بر سعادت دنیوی تمرکز دارند؛ یعنی شاخصه‌هایی که بر اقتصاد، سیاست و جامعه مدنی تمرکز دارند، شاخصه‌هایی با ارزش دینی نیز مد نظراند. از این شاخصه‌ها می‌توان به اعتقاد حکمرانان به خداوند، توجه حکمرانان به پیاده‌سازی سنت پیامبر (ص)، داشتن تقوا و... اشاره کرد. اینها ویژگی‌هایی هستند که صراحتاً از نصوص قرآن و نهج‌البلاغه قابل استنباط است. بنابراین توجه به این اختلافات در مبانی معرفت‌شناختی و برای زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه ضروری است. ترسیم حکمرانی خوب در متون دینی همچون نهج‌البلاغه باید در تعارض با این مبانی معرفت‌شناختی قرار نگیرد.

نتایج:

۱. حکمرانی خوب از مقولاتی چند وجهی و میان‌رشته‌ای است که تاکنون توسط مراکز مختلف با توجه به زمینه‌های معرفتی متفاوت، تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. با توجه به دغدغه‌های متفاوت این مراکز، اهداف متفاوتی نیز برای آن ارائه شده است؛

۲. زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب با توجه به معارف قرآن و نهج‌البلاغه عبارت است از اینکه در بافت تاریخی و معرفت‌شناختی، کدامیک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب به گفتمان حکمرانی موجود در قرآن و نهج‌البلاغه نزدیک‌تر است و کدامیک از مؤلفه‌ها فاصله بیشتری با آن دارند؛

۳. شش مؤلفه اصلی در حکمرانی خوب عبارتند از: ۱- صدا و پاسخگویی؛ ۲- ثبات سیاسی و نبود خشونت (و تروریسم)؛ ۳- اثربخشی دولت؛ ۴- کیفیت تنظیم‌کنندگی؛ ۵- حاکمیت قانون؛ ۶- کنترل فساد.

۴. در ارتباط با زمینه‌مندسازی تاریخی حکمرانی خوب مشخص شد که: از میان شش شاخصه اساسی حکمرانی خوب، «کنترل فساد» پر رنگ‌ترین شاخصه محسوب می‌شود. «حاکمیت قانون» و «صدا و پاسخ‌گویی گویی» در مرحله بعد قرار می‌گیرند. البته اهمیت کمتر آنها نسبت به «کنترل فساد» به جهت نبود ارکانی چون: عدم بخش خصوصی در دوران صدر اسلام است.

۵. «اثربخشی دولت» در جایگاه چهارم رتبه‌بندی قرار می‌گیرد؛ زیرا فقدان ثبات سیاسی موجب شده است، امکان ارائه خدمات عمومی و شهروندی مناسب وجود نداشته باشد. اما «ثبات سیاسی و نبود خشونت» و «کیفیت تنظیم‌کنندگی» در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند. مسلماً این دوره از جهت خشونت و ترور، بسیار بی‌ثبات می‌باشد و ثبات سیاسی در پایین‌ترین حد آن قرار دارد. اما «کیفیت تنظیم‌کنندگی» نیز در این دوره امکان بررسی ندارد؛ زیرا بخش خصوصی به عنوان مهمترین عامل این شاخصه، در دوران ابتدایی اسلام وجود نداشته است.

۶. در ارتباط با زمینه‌مندسازی معرفت‌شناختی حکمرانی خوب نیز مشخص شد که: شاخصه‌های حکمرانی خوب به شدت متأثر از گفتمان مدرنیته است؛ اما در مقابل، حکمرانی صحیح در گفتمان اسلام صدر اول بر ویژگی‌های الهی تمرکز دارد و سعادت حاکمیت‌ها در گرو سعادت اخروی است. بنابراین افزون بر شاخصه‌هایی که بر سعادت دنیوی تمرکز دارند، شاخصه‌هایی با ارزش دینی نیز مد نظراند. از این شاخصه‌ها می‌توان به اعتقاد حکمرانان به خداوند، توجه حکمرانان به پیاده‌سازی سنت پیامبر(ص)، داشتن تقوا و... اشاره کرد. اینها ویژگی‌هایی هستند که به‌صراحت از نصوص قرآن و نهج‌البلاغه قابل استنباط است.

بنابراین توجه به این اختلافات در مبانی معرفت‌شناختی برای زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه ضروری است.

منابع:

- قرآن کریم
- ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۱ش؛
- ابن اسحاق، محمد، السیر و المغازی، دمشق، ۱۳۹۸ق؛
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۰م؛
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت: دارالاقواء، ۱۳۰۵؛
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛
- موسوی بجنوردی، کاظم، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، جلد هشتم؛
- بشیریه، حسین، جامعه شناسی تجدد، نقد و نظر، سال سوم، شماره دوم و سوم، بهار و تابستان ۱۳۷۶؛
- سید رضی، نهج‌البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم: دار الهجره، بی تا؛
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، لبنان، بی تا.
- قربانی، قدرت الله، Humanization of Certainty in the Philosophical Modernity، حکمت و فلسفه، ۴.No، ۸.Vol، ۲۰۱۳ January، ۷۷-۹۸؛
- قلی پور، رحمت‌الله، "تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت"، دانش مدیریت، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۸۳، صص ۸۵-۱۱۱؛
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت، ۱۳۸۵ - ق/۱۹۶۵م؛
- نادری، محمد مهدی، "حکمرانی خوب؛ معرفی و نقد اجمالی"، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۰، صص ۶۹-۹۳؛
- واقدی، محمد، المغازی، لندن، ۱۹۶۶م؛
- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۲؛
- George F. Gant (2006), The Concept of Development Administration,

- in Eric E. Otenyo, Nancy S. Lind (ed.) Comparative Public Administration (Research in Public Policy Analysis and Management, Volume 15) Emerald Group Publishing Limited, pp.257 – 285;
- Haque, M. Shamsul; «Rethinking development administration and remembering Fred W. Riggs», International Review of Administrative Sciences 76(4) 767–773, 2010;
 - Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. “Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators 1996-2008,” World Bank Policy Research Working Paper 4978, pp. 1-103, 2009;
 - Landman. T (July 2003) «Map Making and Analysis of the Main International Initiatives on Developing Indicators on Democracy and Good Governance» , University of Essex: Human Rights Center ;
 - Macionis, John & Ken Plummer. 2008. Sociology. Harlow: Pearson Education
 - Madelung, Wilferd. The Succession to Muhammad: A Study of the Early Caliphate. Cambridge University Press, 1977;
 - Nikitina, Svetlana, “Three Strategies for Interdisciplinary Teaching: Contextualizing, Conceptualizing, and Problem-Solving”, Curriculum Studies, 2002, vol. 38, No. 3, 251-271;
 - Plumpton, Tim & Graham, John, «Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives», Institute on Governance, 1999;
 - Plumpton Tim; Graham, John, “Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives”, Institute on Governance (IOG) , Ottawa, Canada, 1999;
 - Riggs FW (1970) The Idea of Development Administration. In: Edward Weidner (ed.) Development Administration in Asia. Durham, NC: Duke University Press, 25–72;
 - UNESCAP. What is Good Governance?, 2002, Present at: <http://www.unescap.org/huset/22/governance:htm>.